



بیساران (منطقه ژاوه رودسنندج)

دردگیری بین پیشمرگان کومه‌له و مزدوران بعث رزگاری

۱۰ جاش مزدور به هلاکت رسیدند

یک پیشمرگه بنام "کاک علی قطبی" بشهادت رسید

سنندج پاسداران و جاشهای جمهوری اسلامی:

کارگران بیکار را دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار میدهند

مریوان: ۹ جاش و پاسدار در کمین پیشمرگان کومه‌له کشته شدند

هم میهنان مبارز!

در تاریخ جنگهای تجاویزی سرکوبگرانه همواره نیروهای متجاوز و سرکوبگر بمنظور استقرار سلطه خود بر خلیجهای مورد هجوم اقدام به جنایتهایی کرده اند که شدت و شمرت آن تمام طسوزل تاریخ را در بر گرفته است. و تنسی مغولها با ایران هجوم آوردند و دهنهاشهرزده را با خاک یکسان کردند و ساکنین آنها را از بین

گذازیدند این وحشیگریها بخاطر منافع مشی روسای عشایر و ایلات مغولان بود. اما شیوههای کار آنها در دوران تعدن و در قسرن بیستم که جهان بسرعت در حال تغییر و تحول اجتماعی و صنعتی و سیاسی است و همچنان تکامل یافته تر ادامه دارد. امپریالیستهای جهانخوار و وابستگان آنها که اشتهای سیری ناپذیری در استثمار و غارت ثروت

خلیجهای تحت ستم دارند و مغول وار بر کشورهای دیگر هجوم برد آنها را به زور سلطه خود میکشند. اما همواره خلیجهای این کشورها در برابر این تجاوزگرها بقابل میگردانند و در این رابطه به جنگها آزاد بیخس دست میزنند. نیروهای امپریالیستی مستقما و با وسيله دولتهای دست نشانده و وابسته خود به سرکوب این خلیجها پرداختند و گاه چنان جنایاتی را

فاجعه ایندرفاش برگ دیگر سیت از جنایات

رژیم جمهوری اسلامی علیه کارگران و سایر زحمتکشان

ایران

برکتک میزنند که شهوت جهانی
 می یابند. از حیث سیاسی
 نیروهای تجاوزکار آمریکا سادو
 و پتنام حادثه "میلای" را آفریدند.
 و اهالی آن در قتل عام کردند.
 نیروهای صهیونیستی اسرائیل
 پس از اشغال فلسطین فاجعه
 "دیراسین" و دهها جنایتست
 مشابه را مرتکب شدند. آنها این ده
 را با خاک یکسان و کلبه ساکنین
 آنجا را قتل عام کردند.

بعثیهای جنایتکار بغداد از سال
 ۱۹۷۶ بهمد تاکنون بیش از
 هزار ده را در کردستان عراق
 با خاک یکسان و ساکنین آنها را
 آوار کرده و بارها دست به قتل
 عام زحمتکشان عراق زده اند.
 و اما جمهوری اسلامی نیز برای
 اعمال تسلط خود بر خلق مبارز
 کرد تاکنون علاوه بر مبارزان و حشیا
 نه شهرها و روستاها، سه بار
 دست به قتل عام زحمتکشان زده
 است. "قربانگردی"،
 "تله تان" و "آخرین بار"
 "آیندرفاش" و "یوسف کندی"
 می بنیم فرق نمیکند که کدام
 دولت با کدام نام و تحت چه
 عنوانی و همگی آنها از یک شیوه
 برای سرکوب زحمتکشان استفاده
 میکنند، شیوههای قتل عام.

اسرائیل بنام آزادی سرزمینها
 اجدادی! آمریکا بنام دنیای
 آزادی!

بعثیهای عراق بنام دنیای
 عربیت! و جمهوری اسلامی بنام
 دفاع از اسلام!

تمام این شیوهها بخاطر دفاع
 از منافع امپریالیستهای جهانی
 و شتی سرمایه دار و مرتجع و جلو
 گیری از رشد و توسعه جنبشهای
 رهایی بخش و سرانجام سرکوب
 انقلابات کارگری میباشد.

اما آنچنانکه تجارب تاریخی
 نشان داده است عاقبت این جنگ
 هاپروزی انقلاب بوده و خواهد بود.
 مرگ برهنه مدافعین شافع
 امپریالیستهای جهانی!

بیساران

● ۵۹/۸/۱۶ - در ساعت ۱ صبح
 دههای از افراد رزگاری (مزدوران
 بعث عراق) از سه جهت بیجا
 سلاحهای قناسه، خمپاره ۸۱ میلی
 و آرمی. جی به روستای بیساران
 هجوم بردند که با مقاومت دستهای
 از پیشمرگان کومله روبرو گردیدند.
 سمنفراز مزدوران که قبلا در خانها
 مستقر شده بودند، اقدام به
 تیراندازی بسوی پیشمرگان کرده
 که در تیراندازی متقابل دو نفر از

آنها کشته و سوس نیز زخمی شد.
 در ساعت ۱ بعد از ظهر حجاج
 احمد حقیقی منشی حزب دکتوران
 تشکیلات بیساران از طریق بلندی
 گوی صید بر طبق کومله و پیشمرگان
 از رزگاری شروع به سخنرانی کردند
 که مورد اعتراض شدید مردم قرار
 گرفت. سپس اهالی تصمیم گرفتند
 که با راهپیمایی و تظاهرات بسوی
 جبهه رزگاری رفته تنفر خود را از
 آنها و از اربابان بعثی شان نشان
 دهند اما بدلیل سابقهای کسها
 رزگاری داشتند تصمیم خود را مبنی
 بر تهیه طوماری در پشتیبانی از
 کومله و ارسال آن به محل اختفای
 رزگاری تغییر دادند که ناگهان
 مزدوران به سون مردم تیراندازی
 نموده و با ایجاد وحشت اجتماع
 آنها را برهم زدند.

در ساعت ۵/۶ بعد از ظهر
 پیشمرگان کوبانه پس از ۱ ساعت
 پایداری در مقابل مهاجمین عقب
 نشینی کردند. در این درگیری از
 مزدوران رزگاری ۱۰ نفر کشته و
 زخمی شدند. و یک پیشمرگ کومله
 بنام "هوشنگ کهرایی" به اسارت
 آنها درآمد. همچنین کاک طوسی
 قطبی پیشمرگ مبارز و خستگی
 پذیر در این جریان به شهادت
 رسید. دو پزشک بیمارستان
 روستا که به اسارت مزدوران درآمد

یاد ۴۲ شهید زحمتکش روستاهای "آیندرفاش"
 و "یوسف کند" را که بدست مزدوران جمهوری
 اسلامی قتل عام شدند با عزم راسخ در دفاع
 از منافع زحمتکشان گرامی میداریم.

بودند پس از چند ساعت آزاد گردیدند. در جریان درگیری های این روز مزدوران بعثت مانع شدند عثمانیان با سلاحهای گلوله باران کردند آنها چند خمپاره بداخل آبادی پرتاب کرده که به یک خانه اصابت نمود.

سپس یکی از مسئولین مزدوران زرگاری ضمن سخنرانی به مردم گفته بود: "ما برای نجات شما تصمیم گرفتیم پسر محمد رضا شاه را مجدداً به ایران آورده و به حاکمیت برسانیم آنان وقتی بداخل آبادی رفته بودند عده ای مزدور عراقی را نیز راه داشتند که حتی خود را به نام ده نیز معرفی کرده بودند. طبق آخرین اخبار رسید ما از بسیاری مردم به وجود آنان بازمانده در مسجد در مورد غارت اموال و داروهای بیمارستان کومله به مزدوران اعتراض کرده اند.

مختصری از زندگی

شهید کاک علی قطبی

شهید کاک علی قطبی (کاک سالار) ۳۰ سال پیش در خانواده ای (حجتش در روستای بیساران) متولد.

در ۱ سالگی جهت تحصیل به عراق رفته پس از کودتای صید السلام عارف طبعه عبدالکریم قاسم به ایران بازگشت و در رابطه با مسئولین حزب دمکرات قرار گرفت که توسط ساواک دستگیر و مورد شکنجه قرار گرفت و به ۲ سال حبس محکوم شد. پس از جنبش سالها ۴۷-۶۰ هجری

همراه هفت تن از همزمانش از حزب دمکرات منسحب شدند. آنها به علت نداشتن تشکیلات منظم و با وجود مخالفت با تفکر ملامصطفی به همکاری با شورش کردستان عراق پرداخت که پس از خفافسق الجزایر (بین صدام حسین و شاه) در سال ۱۹۷۵ او به همراه دیگر همرازم به ساواک ایران تحویل داده شد که پس از مدتی سیاسی آزاد گردید.

در جریان قیام خلقهای ایران در سال ۱۳۵۲ به باری دیگر همزمانش کومله یکسان را بنیاد نهادند.

کاک طلی از زمان قیام همواره تفنگ بردوش و در جریان پیروش به کردستان به جاده پیشمهرگسی درآمد و همیشه پیشمهرگسی فداکار و صادق بود. او هیچگاه از همکاری صمیمانه با پیشمهرگان کومله دریغ نوزید. و سرانجام در نبرد قهرمانانه با مزدوران بعثی (زرگاری) شهادت رسید. پادش گرامی باد.

سند

سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی در کردستان تنها در پیورشهای وحشیانه و بی دردی نیروهای مزدور و ارتش به روستاها و شهرها خلاصه نمیشود بلکه در ادامه چنین سیاستی خلق کرد در شهرها هر روز شاهد فشار و اختناق تازه ای بر کارگران و انقلابی میباشند. بخصوص ادامه محاصره اقتصادی و گرانی و بیکاری روزافزون

و کمبود ما محتاج عمومی مردم هر روز توسعه بیشتری میابد.

اداره بحران اقتصادی موجود و مخصوص تشدید آن در ارتجاعی اجتماعی بین ایران و عراق مدافسان سرمایه داران و مرتجعین را پیش از پیش دچار وحشت کرده و مرتکب اقدامات جنایتکارانه و ضد کارگری میشوند. از یک طرف قتل عام مردم زحمتکش "اینست" را مرتکب میشوند و از طرف دیگر کارگران بیکار را (در کردستان) تحت فشار و آزار و اذیت قرار میدهند که چرابیکاری ۱۰۰ و چهار دنبال کار میگردند.

در ادامه این بحران و فشار از چندی پیش در سفندج شرکتهای راهسازی و ساختمانی شروع شده اخراج کارگران از کارگاههای خود کردند. این کارگران هر روز صبح در محل میدان شهدا (بازار کار جمع میشوند تا بلکه کاری گیرند. اما پاسداران و جانشینان آنها حمله میزند که علاوه بر تهمت و تاسر کارگران را نیز کتک کاری میکنند.

چند روز پیش شش نفر از پیشر کارگران بیکار را در همانجا دستگیر کرده به فرودگاه بردند. سپس آنها را به شدت مورد اذیت قرار دادند و کتک کاریشان کردند. اینست مزدوران به کارگران گفتند که شما جاسوس و ضد انقلاب هستید و از این به بعد حق ندارید زودتر از ساعت ۸/۵ صبح بدر میدان بیایید.

در تاریخ ۱۲/۵/۵۹ نیز شرکت ساختمانی ما (که مشغول

یاد پیشرگ مبارز و خستگی ناپذیر شهید "کاک علی قطبی" را گرامی میداریم.

ادامه کار ساختنهای یادگان
سنندج که از دوران رژیم شاه
شروع شده میباشد (حدود ۷۰
نفر از کارگران کارگاههای پیش را
اخراج کرد . کارگران نسبت به
اخراج خود به شدت به مهتندس
مسئول شرکت اعتراض کردند .
مهتندس شرکت نیز در اثر فشار
کارگران از یادگان سنندج تقاضای
کفک کرده در نتیجه یک نفر مستقام
سرگرد فاطمی به دفتر کارگاه آمد
با توافق مهتندس مقرر طبعی سخنان
به کارگران حمله کرده و آنها را
" سد انقلاب " نامیده اما کارگران
عقب نشینی نکرده و مرتباً از حقوق
خود دفاع میکردند . سرانجام
کارگران در اثر مقاومت یکپارچه
موفق شدند به اندازه دستمزد
دوماه خود از شرکت حقوق و عسارت
دریافت کنند ، قابل توجه است که
کارگران دستمزد و خسارات خود
را همانجا در داخل یادگان و در
زیر تسلط ارتش دریافت میکنند .

● ۵۹/۸/۱۳ - ارتش پاسداران
و جاشهای اعلیای از مردم
درخواست کرده بودند که در یک
تظاهرات بنفع جمهوری اسلامی
شرکت کنند . بنا بر گزارشهای
رسیده مردم قهرمان سنندج بیجا
شرکت نکردن در چنین تظاهرات
چراغ دندان شکنی به مزدوران و
سرکوبگران رژیم دادند . و سایر
دیگر صورت عمیق خود را از همی
که هنوز پیرانههای فاشیستی از
خیابان بارانش در گوشه و کنار شهر
باقی است ، نشان دادند .

طبق این گزارشها تنها چند
صد نفر ارتشی پاسدار و جاش
در تظاهرات شرکت کردند ، آنها
در اثر شدت خشم ناشی از بی
توجهی مردم نسبت به تظاهرات
در محل میدان آزادی ، در زمین
خود دچار اختلاف شدند در اثر
این اختلافات بطرف عابریمن
بیدفاع تیراندازی کردند که یک
زن و یک مرد زخمی شدند ، به علاوه

مانند گرگهای گریسته بجان همدند
بگر افتاده و یک جاش و یک پاسدار
نیز زخمی شدند .

● ۵۹/۸/۱۵ - در ادامه فشار
و اختناق رژیم در شهر سنندج
پاسداران و جاشها در این تاریخ
کلیه خانههای محله " شریف آباد "
را برای چندمین بار مورد بازرسی
قرار دادند . آنها در این بازرسی
های بی دریغی که هر چند وقت
یکبار صورت میگردد ، وسایل و لوازم
زندگی ساکنین را زهرور میکنند .
آنها از وجود پیشمرگان و انقلابیون
در میان مردم و مخصوص در داخل
شهر به وحشت افتاده اند . در برابر
این فشارها روحیه انقلابی مردم
هر روز بالاتر رفته کینه و نفرت آنها
نسبت به رژیم جمهوری اسلامی
بیشتر میشود . بخصوص هنگامیکه
پیشمرگان انقلابی بداخل شهر
نفوذ کرده و مقرهای دشمن را زیر
آتش میگیرند مردم بار و حیدرآلی
از آنها استقبال بعمل میآورند .



طبق گزارشهای رسیده اخیراً
رژیم دست به ایجاد ساختمان
برای پایگاههای ارتش پاسداران
در سنندج و اطراف آن زده است
سرمایه‌ای که در این پایگاهها
مستقر شده اند از این عمل بسیار
ناراضی هستند . آنها میگویند این
ساختمانها مورد حمله پیشمرگان
قرار گرفته و گورستان ارتشیان
پاسداران تبدیل خواهد شد .

● ۵۹/۸/۱۶ - یک دستساز
پیشمرگان کومله (پل شهید قطب)
در جاد سنندج - مریدان بیمن
" پایگاههای آریز و تیز تیز " در (۲)
کیلومتری آریز ، در حالیکه باران به
شدت سیار ، به کین نیروهای
دشمن نشستند و به مدت یک ساعت
اتومبیلها را با زرسی برای مسافران
در باره رژیم ضد خلقی و فشارهای
وارد بر مردم با فشارگری نموده و هم
چنین در باره ماهیت ارتجاعی

جنگ ایران و عراق با آنها به گفتگو
پرداختند

در ساعت ۳ بعد از ظهر
یک سیمرخ حامل پاسدار و جاش
که یک قبضه مسلسل کالبر ۷۵ روی
آن کار گذاشته بودند همراه یک
که برسی حامل چندین جاش بیجا
کین پیشمرگان افتادند . در اوایل
درگیری خنده کالبر ۷۵ و در طول
مدت درگیری حداقل ۷ نفر از
جاشها و پاسداران کشته شدند .
بعد از یک ساعت که از درگیری
میگذشت نیروی ککی پایگاه آریز
خود را به محل درگیری رسانیده
وارد جنگ شدند . پیشمرگان
عقب نشینی کردند و سالم به پایگاه
های خود بازگشتند .

مردم منطقه از پیشمرگان بگری
استقبال کرده و بار و حیدرآلی
آنها را به خانههای خود بردند .
چند روز پیش از این پاسداران
ارتجاع و جاشها در سنندج
در اجرای مصلیات سرکوبگرانه و تکامل
ضدیت خود با عفتها دهسای
د تکراتیک و هم چنین محوریت
کلیه آثار مبارزات د تکراتیک
کرد بوسیله بولد و زساختان یاد
بود کاک اسماعیل شریفزاده
که در بهار سال ۵۸ و توسط مبارزان
با کتکهای اعلی شهرنا گردید
بود ، یکی بران کرده و محسول
آنها با خاک یکسان کرده اند . در
عمل وحشیانه نه تنها بنای مزبور
بلکه هزار چند تن دیگر از شهدای
جنبش مقاومت و هم چنین گورستان
نهای دیگر را نیز ویران کرده اند .
پاسداران جناحیکار و جاشهای
خود فروش با اجرای جنس
مصلیاتی نشان دادند که حتی
آزموده انقلابیون نیز میترسند .
اسماعیل شریفزاده هنگامی
در مبارزه مسلحانه بر طبله رژیم
دست نشاند که گشته شهید گشته
سردمداران کنونی جمهوری

اسلامی آن وقت بهادار و ثنای رژیم
 را میگفتند . اما این جنایتکاران
 باید بدانند که شهیدای خلق کرده
 در شب تیره های زحمتکشش آن
 قرار دارند ، اگر اینها بپای یاد بسود
 شهیدای کار و ایوان میکنند و مسا
 بپای نوزاد حکومت جباران و
 مستبکران را زهر زهر میکنیم هر آن
 بنای حکومت کارگران و زحمتکشان
 را بر ما خواهد پیچید . این حکم تاریخ
 است .

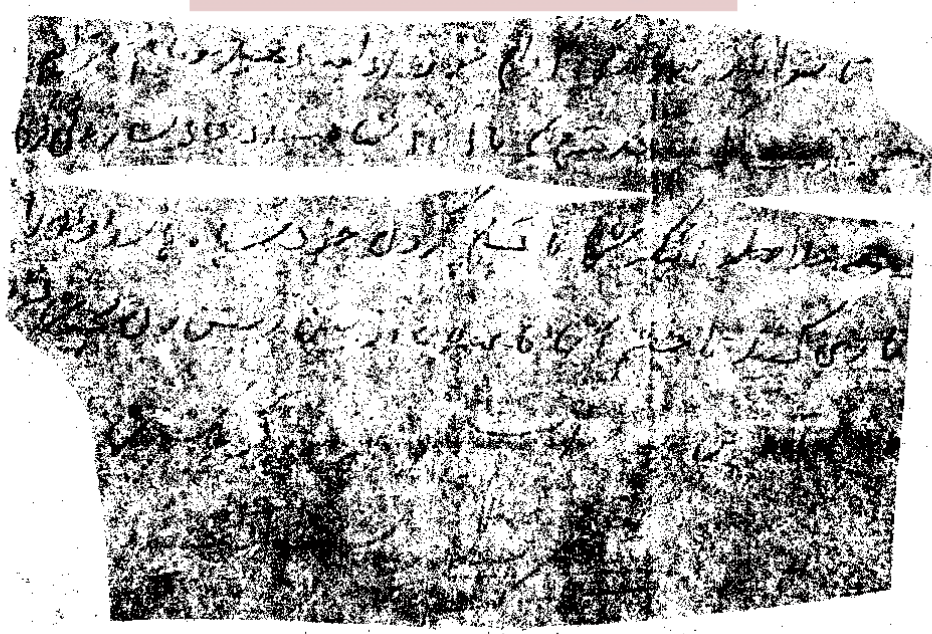
**مرد دوران رژیم در پی تکرار
 فاجعه ایندر قاش**

گسترش و اوگوری ، تنش طاقت
 رخ کرد و بحال ارتجاع را به
 غزه در آورد ، است . آتیاید همه
 شهرهای سرکوب زحمتکشان شهر
 و روستا توهمل میشوند . جباران
 سازندگی با توطئه چینی و جاسوسی
 ارتش پاسداران با کشتار و آتش
 زدن خانه و زندگی مردم مودستگیا
 های تبلیغاتی با مواضع سیاسی

عمکی دست بهم داد مانده بلکه
 بتوانند این خلق مبارز را سرکوب
 نمایند . در این میان جاشها از
 ترس خشم خلق وی اعتباری خود
 در میان مردم به وحشت افتاده و
 به طریق مختلف این ترس خود را
 بروز میدهند . اخیرا ناعای از یک
 جاش که آن را خطاب به اهالیسی
 روستای که بهنگ نوشته بدست
 بهشمرگان و افتاد هاست که مسادر
 اینجا عین آنرا به چاپ میرسانیم .
 این جاش در زمانش زندگی آرام را
 به روستائیان نوید میداده اما
 زحمتکشان طعم تلخ زندگی
 آرام در زیر سرنیزه را در بر زمایش است
 درک کرده اند . بهمن دهنل

است که هر روز بیشتر از بهشمرگان
 انقلابی این فرزندان راستیسن
 خلق حمایت میکنند .
 در قسمتی دیگر از نامه بد شد
 آخرین بهام روستائیان را تهدید
 به خشم پاسداران و ازین سردن
 زن و بچه هایشان کرده اند .
 این واقعتی است زیرا که چند
 روز پیش ما قتل نام زحمتکشان
 " اینقدر رقتناش"
 را توسط پاسداران شاهد بودیم
 اما زحمتکشان و بهشمرگان انقلاب
 بی خلق کرد همچنان به مقاومت
 سرسختانه خود ادامه خواهند
 داد .

برادران محترم و مسلمان ساکن آهنگ ضمن عرض سلام
 خالصانه و دور در فراوان . رایتان از درگاه خداوند متعال مسطت
 دارم که وسیله خلاصی شمارا از جهل و گمراهی گروههای سلیح
 منطقه نجات دهد تا بتوانید به زندگی آرام خود ادامه دهید .
 هم بتوانیم بشما خدمت کنیم . بدنی که با آن آمده است در
 سازندگی مردم و در ضمن اینجانب تصدیق نمایم سرکس او اهالیسی
 آهنگ خود را تسلیم کند ضمانت او را بکنم و تنگ ارم مجازاتش کنم
 انشاء ... خلاصه اینکه شما با تسلیم کردن خود سپاه پاسداران
 را تباری کنید تا خشم آنها باعث از بین رفتن زن و بچه شما نشود .
 این آخرین بهام من است . برادر کوچک شما
 سیف اله حسینی



● ۵۹/۸/۷ - صبح همین روز پاسداران و جانشینان سه طرفه به مرید سردوش حمله کردند. که با پیشمرگان حزب دمکرات درگیر میشوند. طی چند ساعت درگیری پاسداران و جانشینان آن چند کشته و تعداد زیادی زخمی شدند. عقب نشینی شدند.

در این درگیری یکی از پیشمرگان بنام صالح بگ سردوش "بشهادت" رسید. پادش گرامی باد.

● ۵۹/۸/۱۲ - ساعت ۸ بعد از ظهر ارتش بعث عراق باتوپ - خمسه خمسه پایگاه ارتش - مان و پاسداران و جانشینان مستقر در نزدیکی روستای کانی میران را بعد از نیم ساعت زیر آتش گرفتند. در اثر این توپ باران ۲ خانه مسکونی در ده مزبور ویران شده. در نتیجه اهالی این روستا مجبور به ترک آبادی خود شدند.

در ساعت ۶ بعد از ظهر پیشمرگان کومله (پل شهبان - حسین) بمنظور جوله وارد روستای "شیخ منار" در بین دو پایگاه "جانوره" و "ناطاق" شدند.

ابتداء دستهای از پیشمرگان در اطراف ده به کمین نشستند. و بقیه وارد ده شده و راجع به اوضاع کنونی ایران و کردستان و جنگ ارتجایی ایران و عراق برای مردم صحبت کردند. در همین حال

یک خودرو ارتشی که از ناطاق بطرف جانوره حرکت میکرد به کمین پیشمرگان کومله افتاد. و زیر آتش آنها قرار گرفت. در نتیجه مقرر از ارتشمان پاسداران کشته و زخمی شدند و بقیه فرار کردند. خودرو نیز از کار افتاد. پس از این عطیات پیشمرگان سالم به پایگاه خود بازگشتند.

بعد از درگیری عدهای از نیروهای دشمن وارد آبادی شده و اهالی را

مورد اذیت و آزار قرار داده و هر را دستگیر کردند.

● ۵۹/۸/۱۳ - در ساعت ۵ بعد از ظهر یک دسته از پیشمرگان کومله (پل شهید رشوف) در نزدیکی پادگان شهرد رسیرجاده پادگان - گاران یک زین ارتشی حاصل ۱۵ پاسدار و جانشینان را به کمین می اندازند. طی یک حمله سریع آسا ۹ نفر از آنها را کشته و تعداد زیادی را زخمی میکنند. خودرو مزبور در ۴۰ متری کمین از کار افتاد. بعد از ۱ دقیقه پادگان پایگاه آنان محل درگیری را اهداف توپ و خمپاره قرار دادند. چند ساعت بعد تعداد خودرو بهرامی دو تا تکمیل از کار افتاد. راه پادگان انتقال دادند. در این درگیری هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نیامد و همگی سالم به پایگاه خود بازگشتند.

● ۵۹/۸/۱۵ - کودکی که بر اثر انفجار اسباب بازیهای که توسط فانتوسهای جمهوری اسلامی در روز ۵۹/۸/۷ در اطراف روستاهای "خاوشاوجی" فروریخت زخمی گردیده بود بشهادت رسید.

سردشت

بار دیگر بعضیهای فاشیست کاروانیا استقبال حاضرین قرار گرفتند. رابه گلوله بستند.

● ۵۹/۸/۱۵ - عدهای از اهالی منطقه سردشت که از طریق تاجاق مایحتاج عمومی بخصوس مواد غذایی از عراق امرار معاش میکنند در هنگام بازگشت در نزدیکی روستای "چومخرکه" مورد حمله بعضیهای فاشیست و جانشینان خود فروخته "علی آقای شهرت" از مزدوران رژیم بعث قرار گرفتند و ۲ نفر از اهالی روستاهای "میرآباد" "میرآوی" و "کونه شک" بر اثر اصا

بت گلوله مزدوران به شهادت رسیدند. نام یکی از شهیدان "حسین حهه خرجه" است. پس از این حمله مزدوران اجنساب کاروانیان را با عمارت بردند. بقیه آنها متفرق شده و موفق به فرار میشوند.

تاکنون بارها کاروانیان ایرانی در مرزهای ایران در سردشت با نه و سربازان مورد حمله بعضیها قرار گرفته اند در تابستان گذشته در خاک عراق در مجاورت منطقه "آلان" یکی از زحمتکشان روستای بیژوی بنام استاد محمود نجار که برای خرید لوازم به آنسوی مرز رفته بود دستگیر شد و از طرف بعضیها مورد شکنجه بسیار قرار گرفت که با شکستن استخوانهای دست و پایش وی را به فاشیستین شکی بقتل رساندند. این وحشیگری ها موجب شد ماست تا میهنم منطقه اهمیت فاشیستی رژیم بعث را بهتر بشناسیم.

● ۵۹/۸/۱۸ - در نزدیکی پادگان از پیشمرگان کومله ضمن شرکت در مراسمی که بمناسبت شهادت کاک حسین حهه خرجه که بدست مزدوران بعضی بشهادت رسید بود در مسجد "میرآباد" حاضر یافته ضمن سخنرانی به افضای سیاستهای ضد خلقی رژیمهای ایران و عراق پرداختند. که مورد

طبق گزارشهای رسیده از مناطق "میرآوی"، "نعلین" و "هنگور" مردم از لحاظ تامین مایحتاج عمومی بخصوص مواد غذایی مانند قند، برنج و روغن در مضیقه بسر میبرند. این کمبودها بدنبال سکونت آوارگانی که در اثر گلوله باران پادگان پیرانشهر به این مناطق پناه آورده اند شده است.

درین میان افراد حزب دمکرات کسانی را که بازحمت نهاد و در زیر فشار پاسداران و ارتش و جانشینان

درباره : قطع بی رویه درخت حومه‌ی شهر بوکان به تحریک حزب دمکرات

کوهلر بوکان تحت عنوان
اطلاعاتی در تاریخ ۱۵/۸/۴۸
منتشر نمود ما مستجابی از
آن را در اینجا نقل میکنیم:

تو دم ما ز بوکان
همانطور که گاه هستند، طی سه
روز گذشته چنارستان و درختهای
اطراف شهر کنی قطع شدند. عمو
ای سوه جو عشق نهانهای یکسا
ود سالدار که بهیچ دردی نمیخور-
ند قطع کرده و با خود بردند. هیچ
کس امکانات بهیچ دردی داشت درختها
بیشتری را تصاحب میکرد. آنها
بی که ما شین و اکثری را داشتند
بهیچ دردی نداشتند. و در نتیجه
دست خالی برگشتند. . . . مسلم
است که چنار معمولاً برای سوزاندن
بکار نمیروند بنابراین شروتمندان
صاحب تراکتور آنها برای مصارف
دیگری میخواستند. . . .

همشهریان ما را
میدانید که حزب دمکرات مدتی
پیش قسمتی از درختان اطراف -
بوکان را تحت عنوان ملی کبوتران
تصرف نمود. . . . برای ما از
همان ابتدا معلوم بود که تبلیغات
حزب در مورد تقسیم درخت بین
تو دمهای مردم جارو و جنجال پیش
نیست و فقط برای دفاع خود است
چنین تبلیغات است. دست مز
ند. . . . تا اینکه مدتی پیش حزب
دمکرات قسمتی از درختان را بریدند
و بجز قسمت کمی، اکثر آنها را بریدند
خود ضبط نمود. . . .
دمکرات میخواست با دادن زمین
هرج و مرج و هیا و جوجنجال و بهیچ
خود از آب گل آلود ماهی بگیرد
کوهله در مقابل برای جلوگیری
هرج و مرج و مانعیت از سیر

هیچ مانعیتی نداشتند. در برابر
این عمل نیز دهقانان بی اعتباری
خود را نشان داده همچنان به
بریدن درختان جنگلی ادامه مید
هند. ما نظر خوانندگان را به
های رسیده از بوکان که در همین
شماره چاپ شده است جلب میکنیم
میکنیم تا اهمیت این نوع کارها که
بضرر زحماتشان و نفع مرتجعین
و مستغران است بیشتر و بهتر روشن
گردد.

پیرانشهر

حدود یک ماه از آوارگی اهالی
پیرانشهر میگذرد. ارتش ضد خلقی
و پاسداران ارتجاع همواره مانع
ورود آنها به شهر می شوند درحالی
که آوارگی و سرما و محاصره
اقتصادی کمبود ما بهیچ زنگی
و دکترود آرو هر روز فشار بیشتر
به آنها وارد میکند، ارتش سه روزه
دهات اطراف را با خمپاره و شوت
میهد و تاکنون موجب کشته و
زخمی شدن عده‌ای از مردم
گردیده است. در طی روزهای
اخیر چندین کودک بر اثر شلیک
سرمایان سیردماند. . . .
در داخل شهر پاسداران و مزد
وران ملاحضتی اکثر خانه‌های مردم
را با زوسی ربه غارت امین سوال
پرداختند. در بیشتر منازل
اثاثیه غیر قابل حمل را به رگبار
تفنگهایشان بسته و آنها را زنده
نموده‌اند. این وحشیگری و دشمنی
جفاقت و قتل عام دیگر توسط نیروها
ضد خلقی رژیم نه تنها قادر است
در هم شکستن مبارزات ما دلانه
این خلق مستعبدیده نخواهد بود
بلکه اراده آنها را نسبت به در هم
شکستن نیروهای سرکجگر محکمتر
خواهد ساخت.



توانستند مقداری ارزاق معیشتی
به منطقه وارد کنند، به شدت زیر
فشار قرار داده‌اند. آنها ادعا
میکنند که باید اجناس را برای غرض
در اختیار حزب قرار دهند. گستا
آنستکه حربیها آن جنس‌ها را با
قیمتی گزافتر از نرخ فروشندگان به
مردم میفروشند. در این رابطه
تاکنون فروشندگان از ترس افراد
حزبی در کانون قند و سایر مواد
غذایی را سرگرفت داده و این کارها
نوعی مقاومت در برابر حزب به حساب
آورد مانده.

طی گزارش دیگری که بدست ما
رسیده است اخیراً حزب دمکرات
در مناطق پیرانشهر به دهقانان
بی ازدهات اطلاع داده است
که باید اجاره سالانه خود
را تسلیم مالکین منطقه نمایند.
امدادهای از دهقانان چنین
تصمیم گرفته‌اند که زیرا این ستم
زورته و از دادن اجاره خود
داری میکنند.

دهقانان زحمتکش این مناطق
حاضر نیستند ستم اربابان را که
سابقاً از حمایت دولت‌های وقت
برخوردار بودند و اکنون اینها
حزب دمکرات قبول کنند و
سراد و چهره‌ها جنش مقاومت خلق
تجربه کرده‌اند که مسازره
نیقاتی اساس بقای این جنبش
بوده و بدون آن جنبش وجود
نخواهد داشت. آنها همچنین
بخوبی دریافته‌اند که در باره ما
دلانه شان علیه اربابان از
حمایت سایر زحمتکشان پیشرو
انقلابی در کردستان
برخوردار خواهند بود.

افراد حزب دمکرات در این
شرایط بحرانی که مردم به شدت
در مضرت سوخت بمر میزنند و
فصل سرما نیز نزدیک است در
مناطق مختلف سرد شد دهقانان
را تحت فشار قرار میدهند که درخت
جنگلی را مردم نهایستی ببرند و
به مصرف سوخت برسانند، در
حالی که این عمل برای افراد حزبی

فرصت طلبانه نبود جریان و سرای تقسیم در دست درختان بیستون زحمتکشان و شهیدستان به معاملات فقیرترین تپهن لغت و اسامی سیاسی خاندان و دما را داشته و آنان را در تپهن بهی قرار داد . اما بر تپهنی کوبیده یا منافع حزب سوسیالیست نبود و منسب افشاری در روزهای از بهای حزب در بین مردم میگذشت . بنابراین پس شروع به تهریگان در بین مردم کرد . . .

اگر حزب دمکرات از کمبود سوخت و نیاز به احتیاج مردم نگران است، چرا کسانی را که سوخت و نیاز به احتیاج مردم را با هزاران مشکل به کردستان می آورند، و جریمه میکند و از آنها باج میگیرد ؟

اگر حزب دمکرات در این وضعیت جوان و محاصره ای اقتصادی و فشار آتش بهاسداران جنایتکار نسبت به روشنفکران ستندیده کردستان کوچکترین احساس دلسوزی میکند، چرا دهقانان را از مصادره زمین آری بهایی که اکثر اعضا حزب دمکرات شده اند منع میکند . . .

اگر حزب دمکرات موافق این است که زمین آری بان چپ و لگاری که سالها شوره رنج زحمتکشان را چپاول کرده و زمینهای آنها را فصب نمود مانند . . . تقسیم شود . . . چرا فوراً این مالکین را که بسیاری از آنان جاش رژیم شاه نیز بود مانند بعضویت حزب در می آورد ؟

اگر حزب دمکرات ادعای دفاع از مردمی را وارد که سالها تحت ستم و سرکوب مامورین شاه و اکتیون در معرض کشتار جلادان رژیم ستم جمهوری اسلامی هستند هستند چگونه است که امروز با ضرب و شتم و تفنگ مردمی را که برای خریدن و احتیاج صاف میکنند مورد توهین و تحقیر قرار میدهد و افرادش در بین سستی بیرونی مردم بیدار نساع تیراندازی میکنند ؟

حزب روشن است و حزب دمکرات کوچکترین احساس مسئولیتی نسبت به منافع زحمتکشان و توده های محروم جامعه نداشته بلکه برعکس هر جا که امکان داشته باشد به وسیله باج گیری و سلب آزادی مردم برای مسئولین حزب ثروتهای کلان جمع آوری میکند . . . نتیجه این عمل چه بود ؟

۱- پیش از هر چیز قطع کامل درختان مناطق وسیعی از حومه شهر و در حکم بهترین کمک به ارتش براسداران میباشد زیرا مردم شهر پیشمرگان را از یک پوشش طبیعی در برابر حملات زمینی و هوایی محروم میکند .

۲- این عمل در اقصای وسیعی از مردم احساس عدم امنیت ایجاد و ناراضیتهای کرده است . مرتجعین عوامل جمهوری اسلامی سازمان چریکها (اکثریت) از این فرصت بهره برداری کرده و سعی میکنند مردم را نسبت به تمام پیشمرگان بدبین کرده و از جنبش مقاومت دلسرد نمایند . آنها میگویند تمام جنبش مقاومت و نیروهای سیاسی کردستان را که دارند نمایند و از این طریق منافع رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی تبلیغ کنند در حالیکه ملامت روشن است که سلب آن تنها به گردن حزب دمکرات است و شاهدان ادعای سلب عملکردهای حزب دمکرات میباشد .

۳- این عمل که فقط بهایستی تشویق منافع شخصی و نارتگری نباشده بوده با مصادره انقلابی منافع زحمتکشان که از روی برنامه و نظم باشد بکلی فرق میکند و نتیجه ای جز اطلاق ثروتهایی که میتواند در جهت منافع خلق بکار گرفته شود ندارد .

. . . صاحب قدرتان سود جو

بیشترین سهم را بدست آورند و زمینها را باطل شدند . . . نتیجه این کار برخلاف تبلیغات ظاهری حزب دمکرات و با زهم عمدتاً منافع استثمارگران و سود جو بان جامعه تمام شده است . . .

ما سیاست خود را در برابر قطع درختان شرح زیر اعلام میداریم ۱- از نظر ما زحمتکشان محسوس دارند درختان بزرگ مالکین را مصادره کرده و از آنها بشوهای صحیح سازمان یافته و تحت نظر شوراهای انقلابی خود در زمین سوخت مورد نیاز خست استفاده نموده و بقیه آنها را جهت پیشبرد تولید و بالابردن سطح زندگی آنان در دست نگه داری نمایند .

۲- ما مخالف قطع چنارستانها و باغهای میوه جهت سوخت و بطور بی رویه هستیم معتقدیم که زحمتکشان روستا بایستی آنها را در جهت منافع عمومی خود بهره برداری قرار دهند . در مورد چند استانها زحمتکشان میتوانند در جهت تامین هزینه های کشت و تولید عمومی در مورد ضروری بطور صحیح اقدام به فروش آنها نمایند ۳- سازمان ما در تمام موارد فوق و در برابر مرتجعین و سود جوستان خود را متعهد بدفاع از زحمتکشان میداند .

